

تاریخ‌گذاری روایت «هم خیر من یشرب صوب العمام» در موضوع ولایتعهدی و مناقب

امام رضا علیه‌السلام

فهیمه غلامی نژاد^۱، حسین ستار^۲، محمد حسن صانعی پور^۳

چکیده

موضوع ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام از وقایع تاریخی در ابتدای سال دویست هجری است. گستردگی روایات در این مورد نشانه‌ای از آن است که این موضوع در قرن سوم هجری به وقوع پیوسته است که علاوه بر کتب روایی شیعه و سنی، در کتب تاریخی نیز بدان تصریح نموده‌اند. از این رو، به دلیل اهمیت واکاوی سندی و متنی این روایات، پژوهش حاضر با هدف بررسی روایت نقل شده توسط شیخ صدوق درباره منقبت و ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام انجام شد. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل اسناد. متن در بررسی احادیث، به این پرسش که چه ابهامی در فهم حدیث «سَبَعَةَ آبَاؤُهُمْ مَا هُمْ / هُمْ خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صُوبَ الْعَمَامِ» وجود دارد، پاسخ داده شد. همچنین با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، پس از تقریر آرا و دیدگاه‌های مختلف در میان محدثان از جمله شیخ صدوق، ابوالفرج اصفهانی و مزی در شرح حدیث فوق، کشف معنای اصلی متن این روایت در بافت تاریخی آن بررسی و تغییراتی که در مؤکدات فقره اصلی این روایت نیز وجود دارد، مشخص شد. از نتایج تحلیل سندی و متنی روایات چنین به نظر می‌رسد که این روایت اصالت تاریخی دارد و حتی در کتب و منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی با ذکر اسناد و طرق متفاوت دیگری نقل شده است و این نشان می‌دهد که شیخ صدوق نقش مهمی در انتقال گزارش‌های روایی - تاریخی داشته است.

واژگان کلیدی: مناقب امام رضا علیه‌السلام، ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام، تاریخ‌گذاری حدیث،

شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام.

-
- نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲
۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: fahimeh.gholaminejad@grad.kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0003-1749-5583
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Email: sattar@kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0002-5501-5686
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Email: saneipur@kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0003-4284-524X

۱. مقدمه

در بررسی روایات کتاب *عیون اخبار الرضا* که در مورد فضایل امام رضا علیه السلام است، روایاتی مشاهده می‌شود که به ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و چگونگی مراسم جشن ولایتعهدی و سرودن شعر در مناقب ایشان اشاره دارد. (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۲، ۳۱۵/۲-۳۱۲) به گزارش طبری (۱۳۷۵، ۵۶۵۹/۱۳)، ولایتعهدی در سال دویست و یکم (روز سه شنبه، دو روز رفته از ماه رمضان سال دویست و یکم هجری- قمری) بوده است. به گزارش شیخ صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا* نیز ولایتعهدی امام رضا علیه السلام در روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال دویست و یکم هجری- قمری بوده است (۱۳۷۸، ۱۵۷/۲). همچنین گفته شده است: «سنّ حضرت رضا علیه السلام در هنگام وفات چهل و نه سال و شش ماه بوده، و وفاتش در سال ۲۰۳ بود» (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۶۶/۲). نصب و ولیعهدی آن حضرت بدین صورت بود که مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق) به امام رضا علیه السلام گفت: «به دلیل مقام علمی و فضل تو در نظر دارم خود را از خلافت خلع کنم و این مقام را به تو بسپارم». امام رضا علیه السلام به این درخواست پاسخ منفی داد. به همین دلیل مأمون بار دیگر پیشنهاد ولایتعهدی به آن حضرت داد. با وجود بی میلی امام رضا علیه السلام به پذیرفتن این جایگاه، ایشان با شروطی مقام ولایتعهدی و جانشینی پس از مأمون را پذیرفت (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۲۳۸/۲). روایات بسیاری در زمینه ولایتعهدی امام رضا علیه السلام وجود دارد؛ از جمله روایات ذکر شده از ابوعلی الحسن بن احمد البیهقی در باب چهلّم کتاب *عیون اخبار الرضا* که در آن فضایل و مناقب امام رضا علیه السلام و موضوع ولایتعهدی ایشان به صراحت ذکر شده است (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۵/۲).

گسترده‌گی روایات درباره ولایتعهدی امام رضا علیه السلام نشانه‌هایی است از اینکه این موضوع در همان قرن سوم هجری به وقوع پیوسته و علاوه بر کتب روایی شیعه و سنی در کتب تاریخی نیز بدان تصریح شده است. (ر.ک.، طبری، ۱۳۷۵، ۵۶۵۹/۱۳، ۱۳۷۵، ابن عساکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ۷۵/۵۷؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۱/۴) از این رو، واکاوی سندی و متنی و بررسی راویان این روایات بسیار مهم است. پژوهش حاضر به روش تاریخ‌گذاری احادیث و تحلیل اسناد- متن تحلیل شده است. این روش به منزله واکنشی علیه شکل‌گیری نظریه حلقه مشترک در قالب جاعل حدیث ایجاد

شد که برای نخستین بار توسط جوزف شاخت (۱۹۰۲-۱۹۶۹)^۱ و بعدها ینبول (۱۹۳۵-۲۰۱۰م)^۲ پیگیری شد. این فرضیه، موافقان و مخالفانی در میان شرق شناسان دارد؛

موتسکی (۱۹۴۸-۲۰۱۹م) مخالف نظریه حلقه مشترک در قالب جاعل حدیث است. به همین دلیل به تحلیل اسناد- متن برای اثبات نادرستی فرضیه ینبول روی آورد. موتسکی بیان می‌کند آنچه ینبول درباره جعل روایات و حدیث در نیمه قرن دوم و سوم هجری مدعی است، خطایی بزرگ است؛ زیرا صحت و اصالت حدیث را می‌توان از قرن نخست هجری نیز ثابت کرد. او معتقد است برای تصمیم‌گیری درباره صحت انتساب حدیث، مطالعه زنجیره انتقال کفایت نمی‌کند، بلکه ضروری است مطالعه وسیع‌تر و عمیق‌تری در این زمینه انجام شود. از این رو، مطالعه تخصصی اسناد و متن در قالب بخش مهمی از سنت به صورت هم‌زمان نیاز است. بر این اساس، هارالد موتسکی نظریه تحلیل اسنادی- متنی را در جایگاه نظریه‌ای پیشرفته‌تر از نظریه حلقه مشترک ارائه داد (امین، ۲، ۲۰۰۹).

روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن، امکان بازسازی تاریخچه نقل یک روایت واحد یا تاریخچه نقل جامع روایات مربوطه به آن روایت را فراهم می‌کند. همچنین امکان پیشی جستن حلقه‌های مشترک و پر کردن بخشی از خلأ روایات در مورد خاستگاه اسلام را فراهم می‌نماید. (موتسکی، ۱۳۹۹) باید دانست که هیچ روشی جامع و مانع و از محدودیت‌ها مبرا نیست. بنابراین، درباره هیچ روشی نمی‌توان ادعای اعتبار قطعی کرد و نتایج آن را درست دانست. روش تاریخ‌گذاری اسناد- متن یکی از انواع روش‌های تاریخ‌گذاری حدیث است. در این روش، ابتدا روایت‌های مختلف یک حدیث گردآوری و اسنادهای مختلف حدیث در یک شبکه به شکل نمودار ترسیم می‌شود. گام دوم، تحلیل متن حدیث است؛ اینکه ساختار متنی و محتوایی نقل‌ها با هم مشابهت دارند یا اختلاف و اختلاف‌های آنها از کدام قسمت‌ها و الفاظ است؟ در نهایت، دسته متن‌های مختلف با گروه اسنادهای مختلف برای شناسایی همبستگی و ارتباط احتمالی با هم مقایسه می‌شوند. اگر بین آنها همبستگی و ارتباط وجود داشت نتیجه آن خواهد شد که حلقه مشترک، متن اصیل



1. Schacht
2. G. H. A. Juynboll (Gualtherüs (Gautier) Hendrik Albert Juynboll)
3. Amin, K.

را روایت کرده است. همبستگی و ارتباط با اسنادها و متن‌های مختلف یک حدیث نشان‌دهنده جریان واقعی نقل است. در صورت نبود همبستگی، مسئولیت تغییرات متن حدیث در مراحل بعدی برعهده طبقه بالاتر یعنی، فلان‌ها خواهد بود. در بخش بالایی دسته پس از حلقه مشترک، حلقه مشترک فرعی وجود دارد. حلقه مشترک فرعی راویانی است که خبری را توسط یک یا چند اسناد دریافت کرده و به دو یا چند شاگرد دیگر منتقل کرده‌اند. این راویان به نام فلان نیز شناخته می‌شوند. به این ترتیب، تاریخ پیدایش حدیث براساس تحلیل سند و متن به دست می‌آید و تغییراتی که در فرایند نقل اتفاق افتاده است شناسایی و عبارت‌پردازی‌های عناصر مختلف روایت تاریخ‌گذاری و صحت یا عدم صحت و وثاقت حدیث مشخص می‌شود. اگر محقق ویژگی‌های سند و متن را با هم در نظر داشته باشد به نتایج صحیح و جامعی از حدیث دست می‌یابد. (موتسکی^۱، ۲۰۰۵) با این حال، نقدهایی به هر روش وارد است، اما محدودیت‌های آن مانعی برای استفاده از امکانات و نتایج پیامدهای مفید آن نیست.

مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، پاسخ روشنی به پرسش‌هایی از این دست می‌دهد از جمله چه ابهامی در فهم حدیث نقل شده در کتاب *عیون اخبار الرضا* توسط شیخ صدوق درباره منقبت و ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) یعنی، روایت «هم خیر من یشرب صوب العمام» است که تاکنون حل نشده است؟ نتایج حاصل از تحلیل اسناد- متن (روش تحلیل اسناد- متن را می‌توان روش روایی- تاریخی^۲ نیز نامید) در بررسی این حدیث چیست؟ فرض بر آن است که ابهام در واژه سبعة در حدیث «سبعة آبؤهم ما هم / هم خیر من یشرب صوب العمام» سبب ایجاد آرا و دیدگاه‌های مختلف در میان محدثان از جمله شیخ صدوق و ابوالفرج اصفهانی و مزی شده است. در عصر حاضر با شیوه‌ها و مطالعات نوین تحلیلی می‌توان متن حدیث را بازخوانی کرد. روش تحلیل اسناد- متن به منزله ابزار تحلیل متون حدیث برای فهم عمیق و دقیق حدیث است. پژوهش حاضر بر آن است که فضائل امام رضا (علیه السلام) در ارتباط با ولایتعهدی ایشان در کتاب *عیون اخبار الرضا* را از راه تحلیل سندی- متنی حدیث «هم خیر من یشرب صوب العمام» بررسی کند. فرض بر آن است که

1. Motzki, H.
 2. Tradition-Historical

این حدیث مقطوع است و قدیمی‌ترین متن به جا مانده از این روایت از دوران ابوالفرج اصفهانی به بعد بوده است.

در انتخاب روایات و احادیث، توجه به طیف وسیعی از آنها اهمیتی بسزا دارد. بنابراین، برای غنی‌تر شدن تحلیل، هم احادیث شیعه و هم سنی مورد توجه قرار گرفته است. از موضوعات جالب توجه، حضور روّات اهل تسنن در میان اسناد شیعی است. در پژوهش حاضر در موضوع ولایتعهدی و فضایل امام رضا علیه السلام روایتی بررسی می‌شود که شیخ صدوق آن را به نقل از ابوعلی الحسن بن احمد البیهقی (۳۸۴-۴۵۸ق) که یکی از شیوخ اهل سنت است، ذکر کرده است. بیهقی، یکی از مشایخ اهل سنت است که شیخ صدوق در منزل او در نیشابور در سال ۳۵۲ هـ.ق. استماع حدیث داشته است. شیخ صدوق در سفر به نیشابور به نقل از بیهقی اخبار و روایات بسیار مهمی در مورد امام رضا علیه السلام جمع‌آوری کرد. در مقاله حاضر، روایت «خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» که نشان از مناقب امام رضا علیه السلام دارد و بیهقی آن را روایت کرده است، بررسی شد. بعد از شیخ صدوق نیز این روایت توسط راویان متفاوت در منابع متعدد شیعی و گاهی با تغییراتی در سلسله سند و نوع الفاظ حدیث توسط شیخ مفید، شیخ طبرسی و محمدباقر مجلسی و دیگران ذکر شده است. (مفید، ۱۳۷۲، ۲/۲۶۲؛ الطبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲/۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ش، ۴۹/۱۴۶)

از دیرباز بررسی متن و سند در کتاب‌هایی مانند *علل الحدیث* رایج بود و در کتاب‌های رجالی محدثان متقدم مانند بخاری و مسلم نیز در کنار نقد سند، نقد و تحلیل متن هم انجام شده است. در عصر حاضر نیز پژوهشگران از رویکرد تاریخ‌گذاری احادیث برای بررسی روایات بهره برده‌اند. آنها به دنبال کشف هسته اولیه روایت در محدوده زمانی خاصی بوده و تغییراتی مانند تبدیل، شرح و بسط، جعل و ادراج در حوزه بررسی متن حدیث و تعلق راویان به منطقه و جریان خاص حدیثی، حلقه مشترک اصلی^۱ و فرعی^۲ را در حوزه بررسی سند مورد توجه قرار داده‌اند. درباره تاریخ‌گذاری روایات براساس روش تحلیل اسناد-متن، مقاله‌هایی نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- مقاله تاریخ‌گذاری حدیث «إِنِّي أُوتِيْتُ الْكِتَابَ وَمِثْلُهُ مَعَهُ» با تکیه بر روش تحلیل اسناد

1. Common link (CL)
2. Partial common link (pcl)



و متن (غلامی نژاد و ستار، ۱۴۰۲). این مقاله بیشتر در جست‌وجوی مراد دلالت گزاره وحیانی بودن سنت با استناد به این حدیث با روش تحلیل اسناد- متن است.

- مقاله تاریخ‌گذاری روایات اختفاء سرّ که در آن تاریخ‌گذاری روایات اختفاء سرّ بررسی

شده است. (شم‌آبادی، ۱۴۰۰)

- مقاله بررسی نقش شیخ صدوق در انتقال روایت مناقب هجده‌گانه علی (علیه السلام) به منابع

شیعه با تکیه بر روش تحلیل اسناد- متن. (غلامی نژاد، ستار، صانعی پور و علایی رحمانی، ۱۴۰۲) در این

مقاله، روش تاریخ‌گذاری بر مبنای اسناد- متن به اجمال معرفی شده و حدیث «لَعَلِّي (علیه السلام)

مُنَانِي عَشْرَةَ مَنَقِبَةً» با روش اسناد- متن تاریخ‌گذاری شده است. (غلامی نژاد، و همکاران، ۱۴۰۲)

- مقاله‌ای به کوشش فقهی‌زاده و شفیعی (۱۳۹۴) نیز چاپ شده و در آن تاریخ‌گذاری

حدیث «علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين» بررسی شده است.

روش تحلیل اسناد- متن برای تاریخ‌گذاری چند حدیث به‌طور محدود مورد استفاده

محققان قرار گرفته است، اما تاکنون از روش اسناد- متن در بررسی روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرِبُ

صَوْبَ الْعَمَامِ» در گزارش‌های مشترک فریقین و حوزه مطالعات حدیث‌شناسانه با وجود اهمیت

موضوع تاریخی موجود در این حدیث استفاده نشده است. رویکرد متفاوت نوشتار حاضر،

استفاده از روش تحلیل اسناد- متن در بررسی این روایت است و از این نظر نگاهی جدید دارد.

۲. تاریخ‌گذاری روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرِبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» ناظر به موضوع ولایتعهدی

در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام)

در نقل روایات موضوع ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) از بیهقی که در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام)

آمده است، گاهی از متن‌های ساده و کوتاه و گاهی از متن‌های پر دامنه و بسیط استفاده

شده است. (ر.ک.، شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۱/۲) همچنین گاهی در ذیل این روایات، شعر برخی شاعران

معروف مثل دعبل (۱۴۸-۲۴۵ ه.ق)، ابونواس (۱۳۳-۱۹۶ ه.ق) و شعر منسوب به نابغه الذبیانی (م

۱۸ ه.ق) نیز آمده است. از میان روایات مختلف منقول از بیهقی در موضوع ولایتعهدی،

روایت نقل شده توسط الْحَاكِمِ أَبُو عَلِيٍّ حُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيِّ توسط مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى

الصُّوْلِيِّ (م ۳۳۵ یا ۳۳۶ ه.ق) توسط الْمُغْبِرَةِ بْنِ مُحَمَّدٍ از طریق هَارُونَ الْقُرْزُوبِي را به سبب اینکه در

کتاب شیخ صدوق از بیهقی که سنی مذهب است نقل شده و در منابع اهل سنت نیز آمده است، بررسی می شود.

شوشتری درباره سنی مذهب بودن الحاکم ابوعلی الحسین بن أحمد البیهقی چنین می نویسد: «یروی العیون کثیراً عنه، عن محمد بن یحیی الصولی، عن رجاله کثیراً من أخبار الرضا علیه السلام و هو ان لم یکن إماماً فقیب منهم». (شوشتری، ۱۴۱۰ ه.ق، ۴۱۳/۳) در ادامه، هسته اصلی این روایت با نام «هم خیر من یشرب صوب الغمام» مطرح می شود.

۱-۲. بازخوانی و تحلیل گونه های روایت «هم خیر من یشرب صوب الغمام» در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت می کند: «چون خبر ولایتعهدی حضرت رضا علیه السلام به مدینه رسید عبدالجبار بن سعید (م ۲۲۹ ه.ق) (والی مدینه) در خطبه ای این امر را بر مردم ابلاغ کرد و در آخر خطبه گفت: آیا می دانید چه کسی ولیعهد امیر شماس است؟ گفتند: خیر! گفت: پس بدانید که او علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است». سپس عبدالجبار با تمثیل از این بیت نابغه ذبیانی (شاعر) سخن خود را به پایان رساند: «سَبْعَةُ آبَاؤُهُمْ مَا هُمْ / هُمْ خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ؛ اجداد او هفت نفرند که از تمام کسانی که از آب رحمت الهی سیراب می شوند، برترند» (ابن حاجب الدار، ۱۴۱۶ ه.ق؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۱۷/۴).

این روایت در باب چهلم کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام یعنی، باب «باب السبب الذی من أجله قبل علی بن موسی الرضا علیه السلام ولاية العهد من المأمون»، آمده است. (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۵/۲) این روایت در کتب اهل سنت نیز آمده و در این کتب حدیثی به شکل های مختلف متنی و راویان متفاوت به کار رفته است. به عبارت دیگر، گونه های متفاوتی از آن متداول بوده است. در ادامه، گونه ها و روایت نقل شده از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام در موضوع ولایتعهدی مروی از الحاکم ابوعلی الحسین بن أحمد البیهقی به شیوه تحلیل اسناد- متن بررسی شده است. راویان این روایت ناظر به سیر زمانی، به صورت ذیل دسته بندی می شود:

- ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ ه.ق)، مقاتل الطالبیین و اخبارهم. (۱۳۸۵، ۳۷۷/۱)

- شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ه.ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام. (۱۳۷۸، ۱۴۵/۲)

- المزی (م. ۷۴۲ ه.ق)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال. (۱۴۰۰، ۲۱، ۱۵۰).



۲-۲. تحلیل اسنادی روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ»

پس از گردآوری تحریرها و گونه‌های مختلف این روایت در منابع دیگر اهل سنت، این روایت باید از نظر سندی و متنی تحلیل بررسی شود و حلقه مشترک این روایت از راه شبکه اسناد پیگیری شود. به بیان دیگر منبع اصلی گزارش این روایت مشخص گردد و در قالب نقطه کانونی و مرکز ثقل انتشار این روایت مطرح شود. در برخی تحریرها، تفاوت در اسنادها و افراد سلسله سند و حتی در قسمت متن حدیث تغییراتی مانند تغییر در الفاظ و عبارات، قالب روایت، عناصر متن وجود دارد که در تحلیل اسناد- متن به آن اشاره شده است.

۲-۱. بررسی اسنادی روایت گونه الف

با پیگیری خط زمانی این روایت چنین به نظر می‌رسد که پیش از نگارش کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام به قلم شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ ه.ق.)، ابوالفرج اصفهانی (۲۸۴-۳۵۶ ه.ق) در کتاب مقاتل الطالبیین و اخبارهم این روایت را نقل کرده است. (اصفهانی، ۱۳۸۵/۱: ۱۵) حد اولیه زمانی این روایت و قدیمی‌ترین منبع این روایت کتاب *مقاتل الطالبیین* است و چون ابوالفرج اصفهانی روایت مذکور را به دو شیوه بیان کرده است گونه الف در دو قسمت بررسی می‌شود.

اول، بررسی اسنادی روایت گونه الف-۱

نقل روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» در کتاب *مقاتل الطالبیین* از نظر اسناد این حدیث با گونه‌های دیگر تفاوت بیشتری دارد. تفاوت نقل اخیر که در سده چهارم هجری و به منزله متقدم‌ترین نقل در ارتباط با این روایت است وجود دو شیوه و راویانی متفاوت در سلسله سند این حدیث است که این روایت از آنها نقل شده است: «فحدثني احمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا يحيى بن الحسن (العلوي)، قال: حدثني من سمع عبد الجبار بن سعيد يخطب تلك السنة [۲۰۱ ه.ق] على منبر رسول الله بالمدينة فقال في الدعاء له: اللهم وأصلح ولي عهد المسلمين، علي بن موسى بن جعفر ابن محمد بن علي بن الحسين بن علي عليه السلام. ستة آباء هم ما هم * هم خير من يشرب صوب الغمام حدثني الحسن بن الطبيب البلخي، قال: حدثني محمد بن ابی عمر العدني، قال: سمعت عبد الجبار يخطب، فذكر مثله. رجع الحديث الى نظام خبر علي بن موسى» (ابوالفرج الاصفهاني، ۱۳۸۵/۱: ۳۷۷). نقل این حدیث از ابوالفرج از دو راه شنیده شده و در *مقاتل الطالبیین* ذکر شده است؛ از طبقه عبد الجبار بن سعید به بعد از دو طریق نقل شده است (ر.ک.، نمودار ۱): یکی احمد بن محمد بن



سعید السبعی الهمدانی الحافظ المکنی بابی العباس المعروف بابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ ه.ق) که شیخ طوسی در فهرست در مورد او گفته است: «او ثقه بوده و در حفظ حدیث مشهور بوده است» (طوسی، ۱۳۶۳، ۴/۳۲۹) و دیگری یحیی بن الحسن العلوی، عالم، فاضل و صدوق است (راضی، ۱۴۲۱ ه.ق). در این شیوه در مورد ترجمه هر دو راوی در سلسله سند مذکور در کتب رجالی ذکر راوی ثقه است. شاخصه اصلی این طریق، کامل بودن اجزای این حدیث و رساندن معنای کامل به مخاطب است. همچنین قدیمی ترین نقل است و راویانی در سلسله سند این طریق هستند که در کتب رجال، ترجمه آنها مطرح می شود. بنابراین، این طریق از نقل حدیث مذکور به منزله متن اصلی انتخاب شده است و نقل ها و گونه های دیگر با این طریق سنجیده می شود. نکته مهم دیگر در این نقل آن است که در گونه الف، عنصر اضافه ای وجود دارد (رجع الحدیث الی نظام خبر علی بن موسی). این گروه از روایت در توضیح این نکته است که این روایت مربوط به منظومه اخبار علی بن موسی است نه اینکه این روایت به علی بن موسی برسد. مرحوم خویی (۱۳۷۸-۱۳۷۱ ه.ش) در ترجمه یحیی بن الحسن العلوی این نکته را گوشزد می کند که از او اخباری رسیده است، اما این اخبار به خود معصوم علیه السلام یعنی، علی بن موسی در سلسله سند ختم نمی شود (خویی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۱/۴۷).

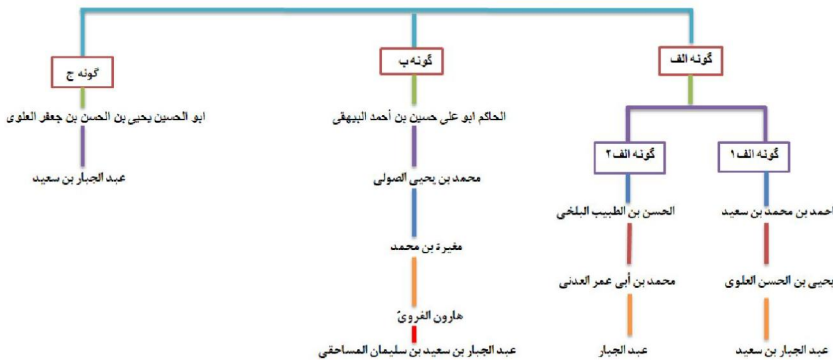
دوم) بررسی اسنادی روایت گونه الف-۲

براساس روایت نقل شده در *مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی*، راوی نهایی این اسانید در گونه الف ۱ و ۲، یک نفر (ر.ک.، نمودار ۱) یعنی، عبدالجبار بن سعید (م ۲۲۶ ه.ق) از طبقه وسطی از اتباع تابعین مدینه است. در حقیقت، این حدیث در طبقه اتباع تابعین از عبدالجبار بن سعید در تمام طرق نقل شده است و در تمام گونه های مورد بررسی این پژوهش می توان او را راوی آخر دانست؛ یعنی این روایت، مقطوع است و عبدالجبار بن سعید در جایگاه راوی مشترک در طبقه اتباع تابعین، نقل های روایت را منتشر کرده است. حدیث مقطوع به حدیثی گفته می شود که متصل به معصوم نباشد. علمای عامه، حدیث مقطوع را حدیثی دانسته اند که از تابعین روایت شده باشد. (ربانی، ۱۳۹۴) بنابراین، مهمترین راوی در طبقه اتباع تابعین، عبدالجبار بن سعید است که می توان او را حلقه مشترک محسوب کرد. قاضی عیاض در ترجمه وی چنین می نویسد: «عبدالجبار بن سعید بن سلیمان بن نوفل بن



مساحق ابومعاویه القرشی المساحقی (متوفی ۲۲۶ هـ.ق)، شیخ قریبش و ادیب بوده است» (قاضی عیاض، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۲/۶۰۸)؛ (و ذکره ابن حبان فی الثقات تحت عنوان: عبد الجبار بن سعید ابن سلیمان بن نوفل بن مساحق المساحقی) (ابن حبان، ۱۳۹۳/۸/۴۱۸). عبد الجبار برای مأمون عهده دار قضاوت مدینه بوده است. پدرش سعید بن سلیمان (م ۱۳۲ هـ.ق) نیز برای محمد بن عبدالله منصور مشهور به مهدی عباسی (۱۲۶-۱۶۹ هـ.ق) عهده دار قضاوت مدینه بوده است. عبد الجبار احادیث ویژه‌ای داشته که از او شنیده شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۵/۵۰۴). مامقانی درباره عبد الجبار بن سعید در *تنقیح المقال فی علم الرجال* می‌نویسد: «او از راویان عام بوده و به خاطر دوستی عباسیان مذموم است» (مامقانی، ۱۴۳۱ هـ.ق، ۳۹/۱۵).

این حدیث در گونه الف ۲ از طبقه عبد الجبار بن سعید به بعد از دو راوی به نام‌های الحسن بن الطیب البلخی و محمد بن ابی عمر العدنی نقل شده که کتب رجال از آنها نامی نیآورده‌اند و ترجمه‌ای از آنها ذکر نشده است. بنابراین، مجهول و مهمل هستند. مجهول و مهمل یعنی، نام راوی در کتب رجالی ذکر نشده باشد یا بیانی از روش، عقیده و مرام آنان نشده باشد. (بانی، ۱۳۹۴) درباره اختلافات درونی گونه‌های الف ۱ و ۲ باید این نکته را بیان کرد که در این دو شیوه از نقل هیچ تفاوتی از نظر محتوا، مضمون و متن حدیث وجود ندارد و خود ابوالفرج اصفهانی این نکته را با بیان فذکر مثله در انتهای این حدیث بازگو کرده است.



۲-۲-۲. بررسی اسنادی روایت گونه ب

در روایت گونه ب تفاوت ماهوی میان نقل صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا (ع)* از ابن

حدیث نسبت به گونه های دیگر دیده می شود. بدین معنا که این روایت را شیخ صدوق با سلسله سندی مجزا، ولی با همان مضمون در کتاب *عیون اخبار الرضا* نقل کرده است و بدین سان این حدیث شاهد و متابع گونه الف و ج است: «حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ النَّيْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصَّوْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ الْفَزَوِيُّ قَالَ لَمَّا جَاءَنَا نَبِيُّعُ الْمُتَأَمُّونِ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَهْدِ إِلَى الْمَدِينَةِ خَطَبَ بِهَا النَّاسَ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ سَلِيمَانَ الْمَسَاحِقِيَّ فَقَالَ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ أَتَذُرُونَ مَنْ وَلِيَ عَهْدَكُمْ فَقَالُوا لَا قَالَ هَذَا عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ سَبْعَةَ آبَائِهِمْ مَا هُمْ / هُمْ خَيْرٌ مَنْ يَشْرِبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۵/۲).

سلسله سند این روایت از عبد الجبار بن سعید به بعد با منابع متقدم تر در اهل سنت از جمله *مقاتل الطالبین* یا منابع متأخرتر مانند *تهذیب الکمال* متفاوت است. حتی در منابع شیعی مانند آثار شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ.ق) که هم قرن با شیخ صدوق است نیز این روایت با همان سلسله اسناد و راویان منابع سنی ذکر شده و توسط مفید وارد منابع شیعی شده است: «فَرَوَى أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ سَعِيدٍ يَخُطُّ فِي تِلْكَ السَّنَةِ عَلَى مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالْمَدِينَةِ فَقَالَ فِي الدُّعَاءِ لَهُ: وَلِيَ عَهْدِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِتَّةَ آبَاءٍ هُمْ مَا هُمْ أَفْضَلُ مَنْ يَشْرِبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» (مفید، ۱۳۷۲، ۲۶۲/۲-۲۶۳؛ مفید، ۱۳۸۰).

چراغی این شیوه نقل شیخ صدوق نیز به منابعی بازمی گردد که برای نگارش کتاب *عیون اخبار الرضا* به کار می رفته است. توضیح آنکه شیخ صدوق در ذکر حوادث تاریخی روزگار مأمون و گزارش های تاریخی مربوط به امام موسی بن جعفر و امام رضا *علیه السلام* در تألیف *عیون اخبار الرضا* از منابعی که در اختیار داشته، استفاده کرده است و کتاب *الاوراق صولی* یکی از این منابع و مآخذ است که برخی روایات موجود در آن را به نقل از حاکم بیهقی از طریق صولی آورده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ هـ.ق، ۱۰۵/۱؛ خوبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۱۲/۶) ابوعلی بیهقی (وفات ۳۵۲ هـ.ق) راوی واسط میان شیخ صدوق و صولی بوده است (رحمتی، ۱۳۸۲). بنابراین، روایات منقول شیخ صدوق از ابوبکر محمد بن یحیی صولی (۳۴۵ م) در کتاب *عیون اخبار الرضا* مختلف است؛ زیرا صولی که ندیم خلفایی مانند المکتفی بالله (م ۲۹۵ هـ.ق)، المقتدر بالله (م ۳۲۰ هـ.ق) و الرازی بالله (م ۳۲۹ هـ.ق) بوده (ابن ندیم، ۱۳۶۴، ۲۴۸) و شاهد عینی وقایعی است که در قصر



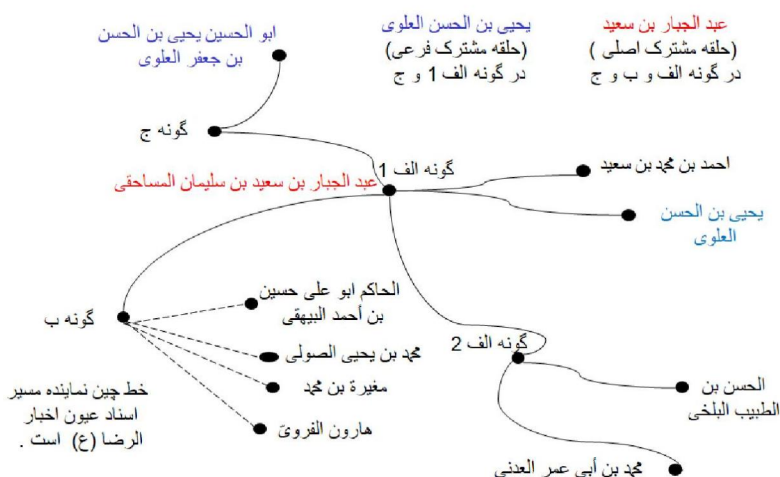
خلیفه اتفاق افتاده است کتابی با منبعی مورد وثوق در تاریخ خاندان عباسی بانام *الاوراق فی أخبار الخلفاء والشعراء بالأوراق فی اخبار آل العباس* و اشعارهم نوشته که مشتمل بر گزارش های تاریخی مربوط به خلفا و ذکر اشعار آنها بوده است و شیخ صدوق از این کتاب در نگارش کتاب *عیون اخبار الرضا (ع)* بهره برده است (رحمتی، ۱۳۸۲؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۶).

در دیگر کتاب های روایی امامیه از جمله *ارشاد شیخ مفید*، گزارش های منقول از مورخان کمتر دیده می شود و این خود نشان می دهد که شیخ صدوق با مورخان و کتب تاریخی مرتبط با موضوع *عیون اخبار الرضا (ع)* آشنا بوده است. همین امر می تواند راهگشای دیگر محدثان شیعی در بهره وری از این نوع آثار تاریخی در منابع روایی قرون بعدی باشد. (صفری فروشانی، ۱۳۸۶) از ویژگی های بارز و شیوه اسنادی عیون، بیان مشخصات مکانی و زمانی در مورد شیوه دریافت و شنیدن حدیث توسط شیخ صدوق است. صدوق در همین روایت یادآوری می کند که این حدیث را در سال ۳۵۲ از بیهقی در نیشابور شنیده است (شیخ صدوق، ۱۴/۱، ۱۳۷۸).

راوی دیگر در سلسله سند گونه ب، مغیره بن محمد بن المهلب بن المغیره بن حرب بن محمد بن المهلب بن ابی صفره، ابو حاتم المهلبی الازدی (م ۲۷۸ق) است که محمد بن یحیی الصولی از وی نقل حدیث کرده و درباره وی گفته اند: «او ادیب و ثقة و اهل بصره بوده و در سال ۲۷۸ قمری وفات یافت». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۳/۱۹۷) در طبقه پایین تر هارون بن موسی بن ابی علقمه الفروی المدینی (م ۲۵۳ ه.ق) یکی دیگر از راویان در سلسله سند منقول از شیخ صدوق (گونه ب) از طبقه تبع الاتباع التابعین (صغار العاشرة) است (الشیبانی البغدادی، ۱۴۰۶ ه.ق). ابن حجر العسقلانی در کتاب *تهذیب التهذیب* درباره او نوشته است: «هارون بن موسی الفروی ثقة، و ابوه ثقة» (۱۳۲۶ق). ابن حبان (۲۷۰-۳۵۴ ه.ق) نیز از او در ثقات یاد کرده است. به باور عسقلانی، رتبه وی نزد ذهبی، صدوق و نزد ابو حاتم و نسایی و ابن حجر «لا بأس به» است (العسقلانی، ۱۳۲۶، ۱۳/۱۱). بنابراین روشن شد که عبارت «لا بأس به» درباره سند روایت و ذکر مشخصات راوی است و از اطلاق این تعبیر همان ثقة استفاده می شود و عبارت «لا بأس به» دال بر حسن ظاهر است. مامقانی عبارت «لا بأس به» را در الفاظ مدح دسته بندی کرده است (غفاری صفت و صناعی پور، ۱۳۸۸).

۲-۲-۳. بررسی اسنادی روایت گونه ج

نقل روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» در کتاب تهذیب الکمال مزى با ترجمه یحیی بن الحسن العلوی چنین است: «وَقَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ جَعْفَرِ الْعُلُوِي النَّسَابَةَ: حَدَّثَنِي مِنْ سَمِعَ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ سَعِيدٍ عَلَى مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: هَذَا عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِتَّةَ آبَاءِهِمْ مَا هُمْ * خَيْرٌ مِنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ» (المزى، ۱۴۰۰، ۲۱/۱۵۰) نقل روایت یاد شده با توجه به فاصله زمانی حدود سه قرن نسبت به گونه الف تغییرات زیادی در سلسله سند دارد و همان طور که در نمودار شماره ۱ مشخص است در گونه های دیگر واسطه ها و راویان زیادی در سلسله سند هستند. در گونه ج، این واسطه ها حذف شده اند و سخنی از آنها نیست. مزى (۷۴۲ ه.ق) فقط یحیی بن الحسن العلوی (م ۲۷۷ ه.ق) را در این طریق آورده و سلسله سند را به صورت کامل ذکر نکرده است. بنابراین، مزى به صورت مستقیم این روایت را از یحیی بن الحسن العلوی نشنیده است؛ زیرا وی متوفی ۲۷۷ قمری است. با لحاظ کردن این فاصله زمانی روشن است که راویان بسیاری را از سلسله سند حذف و آخرین راوی را در سلسله سند ذکر کرده است. در کتاب تهذیب الکمال مزى بعد از طبقه اتباع تابعین یعنی، عبد الجبار بن سعید به منزله حلقه مشترک اصلی (در هر سه گونه) و در طبقه بعدی یحیی بن الحسن العلوی در جایگاه حلقه مشترک فرعی (در گونه الف و گونه ج) در طرق ذکر این حدیث وجود دارد (المزى، ۱۴۰۰، ۲۱/۱۵۰).



همان طور که در نمودار ۲ مشخص است اسناد صدوق در طرق نقل این حدیث در طبقه اتباع التابعین یعنی، عبدالجبار بن سعید با گونه الف و ج در این طبقه یکسان است. بنابراین، عبدالجبار بن سعید حلقه مشترک اصلی هر سه گونه است. از طبقه عبدالجبار به بعد در گونه الف-۱ و ج یک راوی با نام یحیی بن الحسن العلوی نام برده شده است که این راوی همان حلقه مشترک فرعی این دو طریق است. در مورد ترجمه و شرح حال حلقه مشترک اصلی و فرعی این روایت در کتب تراجم روشن شد که هر دو ثقه و صدوق بوده‌اند.

۲-۳. تحلیل متنی روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ»

کانون بحث در این روایت که در همه نسخه‌های مورد بررسی و تحلیل گونه‌های متن نیز وجود دارد عبارت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ» است. با این حال در نقل گونه الف و ب چنین آمده است: «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ»، ولی در گونه ج ضمیر «هم» از این فقره حذف شده و حذف ضمیر در گونه ج به دلیل واضح بودن متعلق آن بوده است، اما در بیشتر نسخه‌های اصلی این شعر از جمله دیوان نابغه ذبیانی، این فقره به صورت گونه الف و ب یعنی، «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ» آمده است (ذبیانی، ۱۳۸۳، ۱۱۷/۱). در شعر و شعراء ابن قتیبه و خزانه الأدب نیز این قسمت به صورت «صَفْو المدام» آمده (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۱۴/۱؛ البغدادی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۳۷/۲) و در تذکره الحمدونیه به صورت «ماء الغمام» ذکر شده است (ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۱/۴). در برخی نسخه‌های متأخرتر مثل الدر النظیم و فصول المهمه به صورت «افضل من يشرب صوب الغمام» (شامی، ۱۴۲۰ هـ.ق؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۰۰۵/۲) در برخی منابع دیگر مثل نزله الجلیس تعبیر «اکرم من يشرب صوب الغمام» ذکر شده است (موسوی حسینی، ۱۳۷۵، ۴۰۲/۱).

با توجه به تغییرات حدیث در این فقره در قرون متأخرتر و حتی ذکر نشدن سلسله سند به صورت کامل و تنها با لفظ «ذکر جماعة من أصحاب الأخبار و رواة السیر» در کتبی مثل الدر النظیم و فصول المهمه (شامی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۶۸۰؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۰۰۷/۲) دو فرض مطرح می‌شود: نخست آنکه این بخش از حدیث اصیل است، اما در فرایند نقل مانند سلسله سندش تغییراتی کرده یا به طور اساسی برای فهم مخاطبانش معادل یابی شده است. فرض دوم اینکه در قرون متأخرتر، راویان، این قسمت از حدیث را به طور کامل جعل کرده‌اند و این سند مجعول به منابع حدیثی و تاریخی راه یافته که تنها قرینه برای آن نبود نقل‌هایی مانند

آن در قرون اولیه مثل دیوان نابغه ذبیانی است. بنابراین، می توان از اختلاف نسخ نتیجه گرفت که فقره اصلی این حدیث «هم خیر من یشرب صوب الغمام» که برای بیان فضیلت امام رضا علیه السلام و مباحات و مناقب حضرت علیه السلام در میان حدیث آمده است پس از چندی و در قرون بعدی برای فهم مخاطبان و تقریب به ذهن، واژگانی معادل آن در حدیث مذکور جایگزین شده است.

در بازگشت به اولین مرحله تحلیل به متن حدیث مشخص می شود که آغاز خطبه عبدالجبار بن سعید در گونه الف و ج یک معنا و مفهوم را متبادر می کند، ولی جمله سؤالی «أَتَذُرُونَ مَنْ وَلِيَ عَهْدِكُمْ» فقط در گونه ب وجود دارد. تفاوت دیگر نقل صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام با نقل گونه های دیگر در کلمه «سَبْعَةَ آبَائِهِمْ» از این روایت است. چنان که بعد از بررسی متنی منابع دیگر و متأخرتر تنها منبع دیگری که کلمه «سَبْعَةَ آبَائِهِمْ» را نیز به کار برده، عوالم العلوم بحرانی است که در آغاز نقل این روایت یادآوری می کند که این حدیث را به نقل از صدوق در این کتاب آورده است. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۲/۲۵)

جدول ۱

تفاوت های متن حدیث در گونه های مختلف روایت

گونه های روایت	ابتدا و شروع متن روایت	ابتدای شعر ذبیانی در روایت	انتهای شعر ذبیانی در روایت
گونه الف	عبد الجبار بن سعید یخطب تلک السنه علی منبر رسول الله بالمدينة فقال فی الدعاء له: اللهم وأصلح ولی عهد المسلمین، علی بن موسی بن جعفر ابن محمد بن علی بن الحسین بن علی، <small>علیه السلام</small>	سته آباء هم ما هم	هم خیر من یشرب صوب الغمام
گونه ب	عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنُ سَعِيدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْمَسَاحِقِيُّ فَقَالَ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ أَتَذُرُونَ مَنْ وَلِيَ عَهْدِكُمْ فَقَالُوا لَا قَالَ هَذَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ <small>علیه السلام</small>	سَبْعَةَ آبَائِهِمْ مَا هُمْ	هم خیر من یشرب صوب الغمام
گونه ج	عبد الجبار بن سعید علی منبر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يقول: هَذَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ <small>علیه السلام</small>	سته آباء هم ما هم	خیر من یشرب صوب الغمام

با توجه به جدول ۱، در گونه الف و ج هر دو روایت با کلمه «سته آباء هم» نقل شده است که در بیشتر منابع دیگر مانند عقد الفرید، الدر النظیم، فصول المهمه، نثر الدر، نضرة الاغریض، التذکره الحمدونیه و ارشاد مفید نیز همین «سته آبائهم» ذکر شده است.



(ابن عبدربه، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۵۹/۵؛ شامی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۶۸۰؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۰۰۷/۲؛ آبی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۲۵۱/۱؛ ابن حاجب الدار، ۱۴۱۶ هـ.ق؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۱/۴؛ مفید، ۱۳۷۲، ۲۶۳/۲) در متون دیگری مانند دیوان نابغه ذبیانی و شرح نهج البلاغه عبارت «خمسہ آبائهم» ذکر شده است (ر.ک.، ذبیانی، ۱۳۸۳، ۱۱۷/۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۶۲/۲) که به گفته بغدادی در خزانه الأدب همان «خمسہ آبائهم» به دلیل نسخه شفر دیوان نابغه صحیح است (البغدادی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۲۰/۲).

شیخ صدوق تنها کسی است که عدد هفت را برای فضایل امام رضا علیه السلام در نقل این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام ذکر کرده و این مناقب در کتب دیگر غیر از عیون در عدد سبعة منحصر نشده است. شاید تعبیر و تخصیص این قسمت در عدد هفت در عیون به این دلیل باشد که شیخ صدوق با توجه به دسترسی به کتاب الأوراق صولی و منابع تاریخی دیگر ذیل این مناقب، به مناقب بیشتری از امام رضا علیه السلام که در آن منابع بوده است دسترسی داشته و او نیز با توجه به همان منابع این فقره از حدیث را ذکر کرده است. شاید هم احتمال تصحیف عدد سبعة در این نقل نسبت به نقل های دیگر که عدد «سته» در بیشتر منابع و عدد «خمسه» در دیوان نابغه ذبیانی ذکر شده است، وجود داشته باشد. البته عنصر اصلی روایت تغییر نیافته و همان طور که در منابع قبل از شیخ صدوق نقل شد به عیون اخبار الرضا علیه السلام انتقال یافته است و همان مفهوم و معنای کلی را برای مخاطب متبادر می سازد. در جدول شماره ۱ تفاوت های متن این روایت مشخص شده است.

۳. نتیجه گیری

در مقاله حاضر روشن شد که شیخ صدوق با نقل از «الحاکم أَبُو عَلِي الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِي» در قامت یکی از مشایخ اهل سنت در سلسله اسناد این روایت در پی بیان و تأیید مناقب و فضایل امام رضا علیه السلام توسط راویان سنی مذهب بوده است. شیخ صدوق با توجه به دسترسی به کتاب الأوراق صولی در نگارش کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام و بهره گیری از مطالب تاریخی این کتاب راهگشای دیگر محدثان شیعی در بهره وری از این نوع آثار تاریخی-ادبی در منابع روایی در قرون بعدی بوده است. از نتایج بررسی روایت «هم خیر مَنْ يَشْرِبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» با روش تحلیل اسناد-متن می توان به مواردی مانند دستیابی و



آشنایی با منابع مختلف دیگر در ارتباط با این روایت اشاره کرد و از همبستگی میان آنها میزان اعتبار تاریخی این روایت را به دست آورد.

براساس تحلیل اسنادی این روایت مشخص شد که این حدیث مقطوع است و در طبقه اتباع تابعین، عبدالجبار بن سعید در جایگاه حلقه مشترک اصلی، این حدیث را منتشر کرده که وی در کتب رجالی جزو ثقات محسوب شده است. در طبقه بعدی نیز در گونه الف-۱ و گونه ج، یحیی بن الحسن العلوی حلقه مشترک فرعی است که او نیز ثقة بوده است. در سلسله سند منقول شیخ صدوق نیز همه راویان آن با دیگر گونه‌ها تا طبقه عبدالجبار بن سعید متفاوت بوده است و حدیث نقل شده توسط صدوق متابع و شاهد حدیث گونه الف و گونه ج است. البته همه راویان طرق صدوق نیز مورد وثوق بوده‌اند.

براساس تحلیل متن این روایت نیز آشکار شد که قدیمی‌ترین متن به جا مانده از این روایت از دوران ابوالفرج اصفهانی به بعد بوده است. در فقره اصلی روایت مذکور در نسخه و گونه ج ضمیر «هم» از این فقره حذف شده است. حذف ضمیر در گونه ج به دلیل واضح بودن متعلق آن بوده است، اما در بیشتر نسخه‌های اصلی این شعر مانند دیوان نابغه دببانی، هسته اصلی به صورت گونه الف و گونه ب یعنی، «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» آمده است. از تفاوت‌های نقل صدوق می‌توان به وجود جمله سؤالی «أَتَدْرُونَ مَنْ وُلِيَ عَهْدِكُمْ» در متن حدیث اشاره کرد. تفاوت دیگر کلمه «سَبْعَةٌ أَبَاؤُهُمْ» در این روایت این است. شیخ صدوق تنها کسی است که عدد هفت را برای فضایل امام رضا علیه السلام در نقل این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام ذکر کرده و این مناقب در کتب دیگر به عدد سبعة منحصر نشده است. چرایی تخصیص این قسمت در عدد هفت در عیون به این دلیل است که شیخ صدوق با توجه به دسترسی به کتاب الأوراق صولی و منابع تاریخی دیگر ذیل این مناقب، به مناقب بیشتری از امام رضا علیه السلام که در آن منابع بوده است، دسترسی یافته و او نیز با توجه به همان منابع این فقره از حدیث را ذکر کرده است. شاید هم احتمال تصحیف عدد سبعة در این نقل نسبت به نقل‌های دیگر که عدد سته در بیشتر منابع و عدد خمسة در دیوان نابغه دببانی ذکر شده است وجود داشته باشد.



فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ هـ.ق). شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید). قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله.
۲. ابن حاجب الدار، مظفر بن فضل (۱۴۱۶ هـ.ق). نصره الاعریض فی نصره القریض. بیروت: دار صادر.
۳. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد (۱۳۹۳). الثقات. تحت مراقبه: الذکثور محمد عبدالمعید خان مدیر دایره المعارف العثمانیه. هند: دایره المعارف العثمانیه بحیدرآباد الدکن الهند.
۴. ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶). التذکره الحمدونیه. بیروت: دار صادر.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ هـ.ق). الطبقات الكبرى. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۲۲ هـ.ق). الفصول المهمه فی معرفه الاثمه. قم: مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.
۷. ابن عدیه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ هـ.ق). العقد الفرید. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل او اجناز بنوا حیهها من واردیهها و اهلها. بیروت: دارالفکر.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳ هـ.ق). الشعر و الشعراء. قاهره: دارالحدیث.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۴). الفهرست. مترجم: تجدد، رضا. تهران: چاپخانه بانک بازگانی ایران.
۱۱. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۸۵). مقاتل الطالبیین. محقق: کاظم المظفر. قم: مؤسسه دارالکتب للطباعه و النشر و منشورات المکتبه الحیدریه و مطبعته فی النجف.
۱۲. آبی، منصور بن حسین (۱۴۲۴ هـ.ق). نشر الدر فی المحاضرات. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۳۰ هـ.ق). طبقات اعلام الشیعہ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳ هـ.ق). عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال. قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
۱۵. البغدادی، عبدالقادر بن عمر (۱۴۱۸ هـ.ق). خزانه الادب و لب لباب لسان العرب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ هـ.ق). تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
۱۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ هـ.ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه. قم: دفتر آیت الله العظمی الخویی.
۱۸. ذبیانی، نایفه (۱۳۸۳). دیوان نایفه ذبیانی. محقق: کرم البستانی. بیروت: دار بیروت.
۱۹. راضی، حسین (۱۴۲۱ هـ.ق). تاریخ علم الرجال و اهمیه رجال النجاشی. قم: مؤسسه البلاغ.
۲۰. ربانی، محمد حسن (۱۳۹۴). دانش داریه الحدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۱. رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۲). دو کتاب به روایت شیخ صدوق. نشریه کتاب ماه دین، شماره ۶۶ و ۶۷ و ۶۸-۶۹.
۲۲. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ هـ.ق). الدر المنظیم فی مناقب الائمة اللهمیم. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. شم آبادی، مرضیه (۱۴۰۰). تاریخ گذاری روایات اختفاء سر. نشریه مطالعات فهم حدیث، شماره ۲، ۱۱۶-۹۳.
۲۴. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ هـ.ق). قاموس الرجال. جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. الشیبانی البغدادی، عبدالله بن احمد (۱۴۰۶ هـ.ق). السنه (عبدالله بن احمد). لبنان: دارمنتدی الفکر.
۲۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا عليه السلام. مترجم: غفاری، علی اکبر، و مستفید، حمیدرضا. تهران: نشر صدوق.
۲۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا عليه السلام. تهران: نشر جهان.
۲۸. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۶). بررسی دوائر تاریخ نگاری شیخ صدوق عليه السلام. نشریه نامه تاریخ پژوهان، ۳(۱۰)، ۱۶۶-۲۰۷.
۲۹. الطبرسی (الشیخ)، فضل بن حسن (۱۴۱۷ هـ.ق). اعلام البوری باعلام الهدی. قم: آل البيت عليهم السلام.
۳۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک). مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: اساطیر.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. محقق: خراسان، حسن. مصحح: آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. العسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۶). تهذیب التهذیب. الهند: مطبعه دایره المعارف النظامیه.

۳۳. غفاری صفت، علی اکبر، و صانعی پور، محمد حسن (۱۳۸۸). *دراسات فی علم الدراییه*. مترجم: حسومی، ولی الله. قم: انتشارات دانشکده اصول الدین.
۳۴. غلامی نژاد، فهیمه، ستار، حسین، صانعی پور، محمد حسن، و علایی رحمانی، فاطمه (۱۴۰۲). بررسی نقش شیخ صدوق در انتقال روایت مناقب هجده گانه علی علیه السلام به منابع شیعه با تکیه بر روش تحلیل اسناد- متن. نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۲۰ (۲)، ۸۱-۹۷.
۳۵. غلامی نژاد، فهیمه، و ستار، حسین (۱۴۰۲). تاریخ گذاری روایت «اِنِّی اُوتِیْتُ الْکِتَابَ وَ مِثْلُهُ مَعَهُ» با تکیه بر روش تحلیل اسناد و متن. نشریه دین و دنیای معاصر، ۱۰ (۱)، ۱۹-۳۸.
۳۶. فقهی زاده، عبدالهادی، و شفیعی، سعید (۱۳۹۴). تاریخ گذاری حدیث (علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدین)، روش تاریخ گذاری سند- متن، نشریه حدیث پژوهی، ۷ (۱۴)، ۳۲-۷.
۳۷. قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۴۲۳ هـ.ق). *جمهره تراجم الفقهاء المالکیه*. دبی: دارالبحوث للدراسات الاسلامیه و احیاء التراث.
۳۸. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ هـ.ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ هـ.ش). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. المزی، جمال الدین ابن الرزکی ابی محمد القضاعی الکلبی (۱۴۰۰). *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*. محقق: د. بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسه الرساله.
۴۱. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: دارالمفید.
۴۲. مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۰). *الارشاد للمفید*. تهران: ناشر اسلامیه.
۴۳. موتسکی، هارالد (۱۳۹۹). *تحلیل روایات اسلامی: مطالعاتی در احادیث فقهی-تفسیری معاری*. مترجم: موسوی مقدم، سید محمد. تهران: سمت.
۴۴. موسوی حسینی، عباس بن علی (۱۳۷۵). *نزهه الجلیس و منیه الادیب الانیس*. قم: المکتبه الحیدریه.
45. Amin, K. (2009). *Menguji Kembali Keakuratan Metode Kritik Hadis*. Cet. I. Jakarta: Hikmah.
46. Motzki, H. (2005). Dating Muslim Traditions: A survey. *Arabica*, 52(2), 204-253.

